چند خاطره فرهنگی (3)

عزیزی، علی اصغر

پیش‏بینی لزوم تحول صنعتی در ایران،عدم کفایت فنی آموزش دیده را که عملا بتواند تاسیسات فنی فردا را آماده ساخته و دائما مراقبت نماید روشن میساخت.با علاقه‏ شخصی بمطالعه در این باره میپرداختم.بهترین مثال بعضی کشورهای اروپای شرقی مانند بلغارستان-یوگسلاوی و تا حدی رومانی قبل از جنگ اخیر جهانی از حیث صنعت نسبت‏ بسایر کشورهای اروپائی عقب بودند و بعد از جنگ لزوم جبران این مطلب برایشان اجتناب‏ ناپذیر بود.مدارس حرفه‏ای مقدماتی بوجود آوردند تا در ایجاد کارخانه‏ها و حفظ و مراقبت‏ آنها از نظر فنی همکاری کنند و در صورت لزوم مجری برنامه مهندسین طراح اولین باشند. در طی زمان گزارش و پیشنهادهای متعدد در این زمینه برای وزارت فرهنگ فرستادم و در زمانیکه آقای مهندس حبیب نفیسی معاون وزارت فرهنگ بودند علاوه بر گزارشهای مذکور بهمراه ایشان بازدید از مدارس حرفه فنی آلمان بعمل آمد.

وقتیکه جناب آقای دکتر جواد آشتیانی مدیر عامل سابق سازمان شاهنشاهی خدمات‏ اجتماعی و سناتور کنونی و همچنین مرحوم دکتر عبد الحسین راجی به وین آمدند تا درباره‏ پزشکان اطریشی و آلمانی که به پیشنهاد من قرار بود برای آن سازمان استخدام شوند مذاکره‏ کنند توجهشان را به سطح بالای مدارس حرفهء فنی اطریش جلب نمودم و پیرو آن گزارشهائی‏ هم به تهران فرستادم.چون اتخاذ تصمیم در سازمان شاهنشاهی آسان‏تر و قاطع‏تر بود خوشبختانه پیشنهاد من مورد توجه قرار گرفت و خواستند ضمن مذاکره با قسمت مربوطه در وزارت آموزش و پرورش اطریش مقدمات ایجاد یک هنرستان حرفه فنی برای سازمان شاهنشاهی‏ خدمات اجتماعی فراهم گردد.آقای مهندس((ایس لهنر))مدیر کل آموزش فنی در وزارت‏ آموزش و پرورش اطریش کمال همکاری را در این باره بعمل آوردند و پس از انعقاد قرارداد وزارت آموزش و پرورش اطریش و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نه فقط طرح و برنامه‏ اولیه و معلمان فنی را در اختیار سازمان شاهنشاهی گذاردند بلکه بدستور سازمان،کلیه‏ ماشینها و لوازم را برای هنرستان مزبور سفارش دادند و خود در سوار کردن و بکار انداختن‏ آن مراقبت نمودند و پذیرفتند فارغ التحصیلان این هنرستان پس از پایان تحصیل در ایران مدتی هم در اطریش کارآموزی نمایند.بزودی سی سال از تاریخ تاسیس هنرستان مورد بحث‏ میگذرد.در طی اینمدت گروه کثیری جوانان تحصیل کرده در رشته‏های عملی فنی تحویل‏ کشور داده است.

سکونت دانشجویان خارجی در وین

جوانان ایرانی که برای تحصیل به اروپا می‏آمدند در تهیه منزل با مشکلات فراوان‏ روبرو بودند.در پی چاره‏جوئی با توجه بسابقه دوستی که با آقای فرانتس یوناس داشتم‏ به ایشان مراجعه و پیشنهاد تاسیس یک ساختمان و مرکز رفاهی برای دانشجویان خارجی را نمودم.آقای یوناس که آنزمان شهردار وین بودند و بعدا بمقام ریاست جمهوری اطریش‏ رسیدند و با همین سمت از ایران بازدید کردند با علاقه زیاد از پیشنهاد مزبور استقبال‏ نمودند و خواستند طرح جامعی در این زمینه تهیه و با دلیل و مدرک لزوم ایجاد چنین‏ مرکزی را توجیه نمایم تا بتوانند از محل اعتبار طرح مارشال که اصلاحات خرابیهای جنگ‏ و ضمنا کمک به کشورهای در حال توسعه میرسید استفاده کنند.براساس این طرح و مکاتبات‏ تکمیلی که بین من و شهرداری وین مبادله شد آقای یوناس موفق گردیدند موافقت دولت‏ اطریش و مقامات آمریکائی را جلب کنند تا هزینه ساختمان فوق الذکر از محل اعتبار طرح‏ مارشال Marschall Plane تامین گردد.(توضیح:بعد از پایان جنگ متفقین متوجه‏ شدند که اروپای مرکزی قادر به تهیه خواربار و تامین وسایل زندگی و اشتغال مردم نیست. کمونیستها میکوشیدند حد اکثر بهره‏برداری را از این بحران بنفع خودشان بنمایند و رژیم‏ خود را بر ناراضیان و گرسنگان تحمیل کنند.ازاینرو پس از مطالعه طرحی بوجود آمد و خواربار و وسایل اولیه زندگی همچنین ماشین و وسایل کار صنایع بمبارده شده را از خارج‏ به اروپا برسانند.چون میل نداشتند بطور رایگان توزیع کنند ترتیبی دادند که بهای‏ فروش در حساب مخصوص نگهداری و با نظر مقامات آمریکائی در برنامه‏های عمرانی و ایجاد مجدد صنایع بمصرف برسد این طرح بنام وزیر خارجه وقت آمریکا که مبتکر آن بود به‏ طرح مارشال نامیده شد.)

ساختمان اقامتگاه دانشجویان مورد بحث در یکی از زیباترین مناطق شهر وین در بخش 18 Gymnasiumstrasse با تاسیسات بسیار مدرن بنا شد و از آنزمان که متجاوز از 25 سال میگذرد گروه کثیری از دانشجویان خارجی از جمله دانشجویان ایرانی در آنجا منزل داشته و دوران تحصیل آرامی را بسر برده‏اند.

آقای فرانتس یوناس قصد داشتند پیشنهاد کنند ساختمان مزبور به اسم عزیزی نامیده‏ شود اما با در نظر گرفتن دلایل چند از جمله عکس العمل جوانان اطریشی و مقامات آمریکائی‏ که اعتبار مورد نیاز را در اختیار گذارده بودند این امر صلاح نبود لذا از پیشنهاد مزبور صرف نظر شد.

انجام کلیه امور ایران در اطریش

در سال 1327 بعنوان وابسته فرهنگی ایران در اطریش و کشورهای بالکان منصوب‏ گردیدم.ضمن تدریس در دانشگاه وین و انتشار مجلهء وکس اوریننیس‏"که‏ در وین منتشر میکردم روابط فرهنگی ایران و اطریش را که خود تاسیس کرده بودم اداره‏ مینمودم.از تیرماه 1330 با سمت رسمی رایزنی فرهنگی بموجب تصویبنامه مربوطه به‏ پیشنهاد وزارت فرهنگ و انتخاب وزارت امور خارجه صورت میگرفت و حکم انتصاب به‏ امضاء وزیر امور خارجه صادر میشد و در ردیف کارمندان آنوزارتخانه درمی‏آمدند.بطوریکه‏ چند نفر از این رایزنان فرهنگی پس از پایان رایزنی فرهنگی در کادر سیاسی وزارت خارجه‏ بخدمت ادامه دادند و بمقام سفارت نیز رسیدند.در وضع خاص من که تنها مامور دولت‏ ایران در اطریش بودم در امور مربوط به آن کشور تحت نظر سفارت شاهنشاهی در بلگراد انجام وظیفه مینمودم لذا بصورت کاردار ایران در وین کلیه امور مربوط به ایران را در اطریش انجام میدادم از جمله مذاکرات با مقامات اقتصادی و امور قضائی و غیره نیز مستقیما از تهران یا از طریق سفارت شاهنشاهی در برن بمن ارجاع میشد حتی رسیدگی به گذرنامه‏ های اتباع ایران و ارسال آن به سفارت شاهنشاهی در برن را هم من انجام میدادم.

از سال 1335 آه آقای دکتر عبد الله فروهر اولین وزیر مختار ایران به اطریش اعزام‏ گردید با سمت رایزنی فرهنگی و سرپرستی دانشجویان براه انجام وظیفه ادامه دادم و بعدا رایزنی فرهنگی و سرپرستی دانشجویان ایرانی در آلمان نیز ضمیمه حوزه مسئولیت من‏ شد.

خدماتی که در دوران رایزنی فرهنگی و سرپرستی دانشجویان ایران در آلمان و اطریش انجام داده بر دستگاههای مملکتی روشن است خاصه آنکه خدمت مورد توجه و عنایات شاهنشاه آریامهر قرار گرفته بوده است.دولت آلمان با اعطای نشان درجه یک‏ و دولت اطریش با اعطای نشان کماندور رضایت خودشان را از فعالیت مثبت من ابراز داشته‏اند.

نماینده دائمی ایران در سازمان بین المللی انرژی اتمی

در سال 1957 که سازمان بین المللی انرژی اتمی وابسته بسازمان ملل در وین تشکیل‏ گردید بموجب حکمی که از طرف وزارت امور خارجه صادر شد بسمت نماینده دائمی ایران‏ در آژانس بین المللی انرژی اتمی(عنوان سازمان مذکور میباشد)منصوب گردیدم و اولین‏ نماینده رسمی ایران در این سازمان جهانی بودم که مدت دو سال که این وظیفه را بر عهده‏ بقیه در صفحهء 88

بنائی می‏توانیم بنا کنیم تا کی باز از این حضیض مذلت باوج عزت رسیم و باز همچنانکه‏ پیش بودیم بدان پایه برسیم.

باری پس از هشت روز از شیراز بیرون آمدیم یکروز در راه بودیم آمدیم بوشهر منزل‏ سرهنگ محمد قلیخان سردار بهادر وارد شدیم دو شب در بوشهر ماندیم شب عید نوروز تلگرافا تبریک حضور اعلی حضرت عرض کردیم وزرا و دوستان را تبریک گفتیم با جمعی‏ در کشتی دودی نشسته با زحمت خود را به کشتی پست انگلیسی رسانیدیم رؤسای ادارات‏ ما را مشایعت کردند تا در کشتی پست انگلیسی نشستیم آنها بازگشتند خلیج فارس زود متلاطم می‏شود این سومین بار بود که من از آن گذشتم هنوز دو سه روز کما بیش مانده‏ بود به نوروز در شیراز بودیم این شعر سعدی علیه الرحمه یادم آمد که می‏گوید:

خوشا تفرج نوروز خاصه در شیراز که بر کند دل مرد مسافر از وطنش

ولی عجب درین بود که در ما هیچ اثر نکرده و از وطن هم دل برنکندیم بلکه اقامت ما هم بدل‏ به رحیل شد.لکن انصاف میدهم که اطراف شیراز سبز و خرم بود و طراوت و لطافت بی‏اندازه‏ داشت.شیخ مرتضی محلاتی را که از فحول علمای شیراز است و مرا با او دوستی بود ملاقات کردم.سردار عشایر هم شیراز بود و از قوام الملک بیشتر نزد ما میآمد با آنکه خانهء قوام الملک وارد شده بودیم....

بقیه از صفحه 83

داشتم و گزارشات جاری با وزارت امور خارجه صورت میگرفت و دستورات کلی و خط مشی‏ دولت شاهنشاهی در مذاکرات یا انتخابات از طرف وزارت امور خارجه بمن ابلاغ میگردید.

هنگام تشکیل اجلاسیه سالانه نمایندگان دانشگاه تهران و وزارت صنایع و معادن نیز از ایران اعزام میشدند اما سرپرستی هیئت نمایندگی ایران در اجلاسیه همواره با من بوده‏ است.

لازم بتوضیح است که نمایندگان دائمی(مقیم)سایر کشورها همگی در مقام سفیر و وزیر مختار بودند و در حقیقت این ماموریت در مقام وزیر مختار انجام میشده است بطوریکه‏ بعد از دو سال که در نتیجه گرفتاری و افزایش مشکلات رایزنی فرهنگی و سرپرستی دانشجویان‏ در آلمان فرصت زیادی نداشتم آقای محمود میر فخرائی وزیر مختار ایران در اطریش در جانشینی من انتخاب شدند.